

ما چه گذشت؟



بخش با تمرکز و زمانبندی بیشتری همراه بود که طی آن آشنایی و معرفی بهتری از آثار صورت می گرفت و فقط شاهد یک روند عجله‌ای و پرشتاب نبودیم. اصل جشنواره بر پایه معرفی آثار برگزیده است، به همین خاطر لازم است از افراد برگزیده به شایستگی و با حوصله بیشتری قدردانی می شد و فرصتی فراهم باشد که اصحاب رسانه از متن های برگزیده اطلاعاتی دریافت می کردند و به شناخت وسیع تری از متون برگزیده و دلایل انتخاب آن می رسیدند. متأسفانه تریبونی به برگزیده ها داده نشد که درباره نکات فنی و محتوایی اثر که در روند تولید با آن درگیر بودند، بازگو شود، در جشنواره های دیگر مانند جشنواره فیلم شاهد هستیم که هم اثر و هم خالق اثر دیده می شوند به نظرم این جشنواره در سال های آتی باید راهکارهای مهمی را در این باره اتخاذ کند. نکته بعدی اینکه در مرحله اعلام نامزدهای جشنواره پوشش رسانه بهتری صورت گرفته بود تا اعلام نام برندگان نهایی او در حال حاضر اگر مخاطب بخواهد آثار متون برنده را از سایت جشنواره از طریق درگاه های فضای مجازی جشنواره دنبال کند به آن دسترسی ندارد، حتی یک لینک هم از آثار به صورت مجموعه ای در دسترس نیست و هیچ اطلاعاتی در رابطه با اینکه چگونه بعداً منتشر خواهد شد هم، داده نشده است. در مجموع جشنواره برگزار نمی شود که فقط برگزار شده باشد! جشنواره فرصتی است برای اینکه دوستان و اهالی رسانه در یک فضای متعادل از محتوای آثار و متون یکدیگر دانش کافی را کسب کنند و همین طور از مستعدان این حوزه به نحو احسن تقدیر شود و نظریات و دیدگاه های فکری آنها را در باره کارشان بشنویم. به طور کلی امیدوارم در سال های آتی محوریت جشنواره روی خود بحث مطبوعات و رسانه متمرکز باشد و به صورت تخصصی به بررسی ابعاد آثار بپردازند. باید توجه کرد جشنواره بیش از آنکه فایده مادی برای شخص داشته باشد، آورده اعتباری و حرفه ای برای اصحاب رسانه دارد.

نیره خادمی (برگزیده / روزنامه اعتماد): فقط همین یک روز را داشتیم

در سردرگم ترین حالت ممکن به سالن اجلاس سران؛ محل برگزاری جشنواره ملی رسانه های ایران رسیدم. تمام راه جملاتی را زمزمه کردم تا از رنج این روزهای همکارانم در تحریریه ها و خارج از تحریریه ها بگویم. فکر می کردم حتما همین یک روز، گوشه ای برای شنیدن این حرف ها هست و چرا دروغ بگویم در ناامیدی محض، باز امیدوار به شنیدن اخبار خوبی در آن روز بودم. غوطه ور در افکار، آن چه باید می شد و آنچه در این سالها اتفاق افتاد، رسیدم. کیف و تلفن همراهم را تحویل دادم و به هر ترتیب وارد شدم. وقت تقدیر گذشته بود و رییس جمهور در حال سخنرانی درباره آزادی بیان بود. غرق اندوه و اضطراب به دنبال جایی برای نشستن، سر برگردانم تا شاید آشنایی ببینم. زمان گذشت. نشستم و با چند سؤال دستم آمد که در ساعت قبل، چه گذشته است. انتظار داشتیم، کسی پشت تریبون، از تن زخمی مطبوعات و نه فقط مشکلات معیشتی و نان و مسکن سخن گفته باشد ولی گویا تنها سه نماینده منتخب خبرنگاران از دغدغه های معیشتی و شغلی مان گفته بودند. با پرسش های بیشتر دستم آمد که خلاف بسیاری از جشنواره های معمول، مراسم اهدای جوایز برگزیدگان در کف سالن و پایین تر از تریبون و جایگاه سخنرانی برگزار شده بود؛ یعنی برگزیدگان حین دریافت جایزه امکان تقدیر و تشکر را هم نداشتند، چه برسد به انتقاد و سؤال! با وجود این در پایان جلسه به سمت جایگاه رفتم تا پس از ثبت تصویر رییس جمهور با اهالی سالن، جمله ای که در دل داشتم را بگویم، بیرسم و مثلاً سر درد دلی، باز کرده باشم اما از میان جمعیت وارد در خروجی شد و در پشت سرش بسته ماند. گفتم: می خواهم جمله ای به رییس جمهور بگویم. گفتند: به ما بگو، ما به رییس جمهور می رسانیم. گفتم: «چرا به خبرنگاران و دست کم برگزیدگان اجازه داده نشد که در این یک روز، حرف دلشان را بگویند. ما چطور باید این روز را جشن بگیریم وقتی همکارانمان...» حتی ادامه این جمله ام احتمالاً حذف می شود با این توضیح که ادامه آن برای کسی پوشیده نیست. به هر صورت من جمله ام را از قبل از سر تیغ گذراندم و این کاری است که در این سالها خوب یاد گرفتیم. از من خواسته شد درباره کیفیت جشنواره بگویم و قضاوت درباره کیفیت جشنواره روزنامه نگاران از نظر من، فقط به شرایط سالن و محل آن، پارکینگ، غذا و صبحانه، رفتار برگزارکنندگان، نظم و ترتیب، برنامه های فرهنگی و احتمالاً سرود و تعزیه و نماهنگ، جوایز، و حتی صف های طولانی دریافت وسایل زیر نور آفتاب بر نمی گردد. یکی از مهمترین نشانه های کیفیت برای من به عنوان روزنامه نگار ایجاد شرایطی صمیمانه در همین یک روز است تا خبرنگاران و روزنامه نگاران بتوانند در مقابل بالاترین مقام دولتی کشور به راحتی و بدون خودسانسوری حرف بزنند، حتی به غلط!

چرا باز هم توجه و تمرکز بر تهران است و چرا ایران را تهران می بینیم! این نقدی است که به کل رویدادهای کشور نیز برمی گردد. دومین انتقادی که من از دوستان می شنیدم درباره ورود میهمانان و نحوه برگزاری بود که با توجه به گرمی هوا و منتظر ماندن در صفوف نسبتاً طولانی بسیار خسته کننده تر نیز می نمود، اما به طور کلی و معمول همه می دانند که در مراسم این چنینی که در آن شخصیت های مهم سیاسی حضور دارند، مراقبت های این چنینی طبیعی است. شرکت در مراسمی که با حضور چهره های سیاسی زیادی برگزار می شود این سعه صدر را در میهمانان می طلبد که با تامل بیشتری وارد سالن شوند و برخی موارد را رعایت کنند و از آنجا که حوزه اختیارات این مسئله امنیتی است نمی توان به آن خرده گرفت، اما با درک تمام این شرایط جشنواره به لحاظ مدیریت اجرایی می توانست بسیار قوی تر عمل کند. از راهکارهای مهمی که امیدوارم در سال های آینده در نظر گرفته شود این است که کما فی سابق؛ که نمایشگاه مطبوعات همزمان با جشنواره برگزار می شد، باز شاهد این اتفاق باشیم. چرا که دایر شدن نمایشگاه هم راستا با جشنواره، اتفاق ویژه ای بود که طی آن دوستان اهالی مطبوعات می توانستند دور هم جمع شوند و تبادل نظر و فکری خوبی به راه می افتاد. البته بنده در مورد مسائل فنی این موضوع نمی توانم اظهار نظر کنم، چون خیلی به این مسائل مسلط نیستیم. اما این را می دانم که مسئله برپای نمایشگاه در کنار جشنواره می تواند بسیار مفید و موثر واقع شود.

هادیان (شایسته تقدیر / ایسنا): تریبونی به برگزیده ها داده نشد!

برگزاری جشنواره بعد از ۱۰ سال اتفاق بسیار خوبی بود و اینکه دوستان در یک هم اندیشی و مدل مسابقه ای دور هم جمع شدند بسیار لازم و ضروری می نمود. درباره نحوه برگزاری جشنواره از نظر روند برگزاری بسیار عجله ای بود، خصوصاً در بخش اعطای جوایز زمان بندی بسیار کمی داشتیم و در همان آغاز به سرعت جایزه ها و تقدیرها اعطا شد و به سراغ بخش های دیگر که بزرگداشت و سخنرانی ها بود رفتند. بهتر بود که با اختصاص دادن زمان مکفی، این

صحبت کنند، حائز اهمیت است. بنده نشنیدم که مجری برنامه این معیارها و شاخص ها را برای مان معرفی کنند. حال که صحبت از مجری شد، به نظرم می آید آقای شهیدی فرد فاصله زیادی با روزهای پرفروغ خود داشت. مجری عزیز، آشکارا خسته بود، خلاقیتی از خود نشان نداد و نتوانست شور و شعف لازم را در برنامه ایجاد کند. خلاصه که حیف است این حجم از تلاش عزیزان دبیرخانه، در اثر ناهماهنگی های جزئی رنگ ببازد.

راحله امینیان (مجری رسانه):

قابی ماندگار از چهره های مختلف سیاسی

اگر بخواهیم نگاه کلی به جشنواره ای داشته باشیم که بعد از وقفه ۱۰ ساله، شروع به کار کرد باید بگویم برگزاری این جشنواره بسیار مبارک بود. چرا که این وقفه طولانی باعث نگرانی در اصحاب رسانه شده بود و این حس را به همراه داشت که گویا موضوع مهم جشنواره مطبوعات به فراموشی سپرده شده است. به همین جهت به طور کلی برگزار شدن این جشنواره قابل تحسین و قدردانی است. البته که برگزاری مراسم به صورت اجرایی می توانست خیلی بهتر باشد ولی باز هم به نظر من دور هم جمع شدن افراد با افکار و نگرش های سیاسی و اجتماعی بسیار متنوع در سالن اجلاس سران کشور، اتفاق بسیار بزرگ و مبارکی بود. مثلاً اینکه می دیدم برخی چهره ها که از دو قطب متفاوت و جناح سیاسی مخالف بودند در کنار هم نشستند و لبخند می زدند برای بنده بسیار قابل توجه و جالب بود. کاش این تصاویر و قاب های ماندگار مخابره شود تا با باز نشر آن همه بدانند که می شود با هر طرز فکر و سلیقه ای در کنار یکدیگر ماند و ادامه داد. این مسئله برای خود بنده بزرگترین پیام و لطف این جشنواره بود. از انتقادهایی که می شد به این جشنواره وارد کرد و از گوشه کنار جشنواره صدایش حس می شد، دلخوری اهالی رسانه از استان ها و شهرستان های مختلف بود. به این معنی که باز به موضوع استان ها در جشنواره پرداخت کمتری صورت گرفته بود. این مسئله توسط خانمی در حضور رییس جمهور نیز مطرح شد، باید در نظر گرفت که این موضوع در رویدادهای کشور سابقه دیرینه دارد، ناراضییتی از اینکه